

تحولات مفهومی ملکوت خدا در کتاب مقدس^۱

حسین حیدری^۲

استادیار دانشگاه کاشان، گروه ادیان و عرفان، کاشان، ایران

محمد آقاجانی

کارشناسی ارشد دانشگاه کاشان، رشته ادیان و عرفان، کاشان، ایران

چکیده

عیسی مسیح (ع) در مواظ و سخنانش بارها ظهور زود هنگام ملکوت خدا را نوید می‌داد، اما از همان آغاز دعوت، هم یاران و هم دشمنان وی، ماهیت دقیق این مفهوم را دریافتند و از آن برداشت سیاسی-اجتماعی کردند. مسیح برای تسهیل درک این مفهوم، از تمثیل و زبان مجاز بهره گرفت، اما دشمنانش با دستاویز قرار دادن موضوعاتی از این دست، مقدمات محاکمه او را فراهم کردند و او را به قیام برای برپایی سلطنت متهم ساختند. این نوشتار با رهیافت معناشناسانه نخست پیشینه مفهوم آخرالزمانی ملکوت خدا یا ملکوت آسمان در حال حاضر را در عهد قدیم و عهد جدید و آموزه‌های گنوسی بررسی می‌کند و به مقایسه آنها می‌پردازد. بر اساس یافته‌های مقاله، منظور عیسی مسیح از ملکوت خدا، استقرار سلطنت خداوند بر جهان هستی است. وی به رسالت برگزیده شد تا ضمن بشارت به ملکوت الهی، مقدمات استقرار پادشاهی مطلق و بی چون و چرای الهی بر زمین را، که اکنون در آسمان برقرار است، فراهم نماید. در فرجام جهان، اراده الهی بر دنیا حاکم، و سلطنت شیطان از هستی زایل می‌شود و در نتیجه، ملکوت و پادشاهی الهی به تمام معنا بر روی زمین حکمفرما می‌گردد. افزون بر دو معنای مذکور، این اصطلاح گویای مفهوم عرفانی شهود، و یقین افراد به قدرت تصرف مطلق خداوند است که در جهان کنونی تنها تعداد اندکی بدان عارف و واقفانند و همگان در پایان جهان آن را در خواهند یافت.

کلید واژه‌ها

ملکوت خدا، ملکوت آسمان، عیسی مسیح (ع)، ابلیس، کتاب مقدس.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۰

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): Heydari@kashanu.ac.ir

مقدمه

ملکوت معادل فارسی واژه‌های یونانی *basileia*، عبری *malekout*، آرامی *malkutha* و *malkut* و انگلیسی *kingdom* است.^۱ گرچه در عهد قدیم ملکوت آسمانی از آرمان‌های قوم یهود به‌شمار می‌آید و در قرآن کریم نیز چهار بار (انعام: ۷۵؛ اعراف: ۱۸۵؛ مومنون: ۸۸؛ یس: ۸۳) به چنین مفهومی اشاره شده است، ولی آموزه محوری و پر بسامد ادیان یهود و اسلام نیست. برخلاف آن، در عهد جدید مژده دادن و زمینه‌سازی ملکوت الهی یا آسمانی به عنوان مهم‌ترین ماموریت عیسی (ع) معرفی می‌شود، چنانکه در مشهورترین دعای مسیحیان نیز بدان اشاره می‌شود. با این همه، ابهام زبانی و بالاتر از آن، نشناختن زمینه‌های فکری این آموزه موجب شده است که درباره تفسیر آن اختلاف نظرهای بسیار به وجود آید. این مقاله از سویی تحولات مفهومی این اصطلاح را در عهد قدیم و عهد جدید بررسی می‌کند و از سوی دیگر می‌کوشد تا بستر تاریخی و مبانی اعتقادی رشد این باور را نشان دهد.

۱. ملکوت خدا در عهد قدیم

تعبیر مربوط به سلطنت و پادشاهی آسمانی در عهد قدیم بیشتر در بخش نوییم (کتب انبیاء) دیده می‌شود^۲ و پادشاهی یهوه از همان ابتدا در عهد عتیق بیان روشنی ندارد. آیاتی که متضمن اوصاف شاهانه خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب است، در این صحف یافت نمی‌شود. این وضعیت را حتی می‌توان در روایت تجلی خدا بر موسی نیز دید:

«خدا به موسی گفت: هستم آن که هستم و گفت: به بنی اسرائیل چنین بگو: ایهه (هستم) مرا نزد شما فرستاد. و خدا باز به موسی گفت: به بنی اسرائیل چنین بگو: یهوه خدای پدران

1. "Kingdom of God", *Britannica Encyclopaedia of World Religions*, E.J. Safra(ed.), Chicago, 2006, p.641; Abhayananda, S., *History of Mysticism, the Unchanging Testament*, USA, 2007, p.133; See also:

عبد السید، سموئیل کامل و ارتیمیس ثلاثینوس، قاموس عربی-یونانی، بیروت، ۱۹۹۰م، ص ۳۶۸.

2. Hiers, R. H., "Kingdom Of God", *Harpper Collins Bible Dictionary*, P. J. Achtemeier(ed.), NewYork, 1996, p.568.

شما، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب، مرا نزد شما فرستاده، این است نام من تا ابد الآباد، و این است یادگار من، نسلماً بعد نسل».^۱

با این همه، در متون نویسیم تعبیری از پادشاهی و سلطنت آسمانی یهوه به تصریح و تلویح آمده است که می‌توان از آنها چنین برداشت کرد که این پادشاهی یا اکنون در زمین برپاست: «خدا بر امت‌ها سلطنت می‌کند. خدا بر تخت قدس خود نشسته است»^۲، و یا این که در آینده برپا خواهد شد: «و یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود، در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد».^۳

توصیفی که از سلطنت یهوه می‌شود، گویای این نکته است که جاه و جلال و کرسی او در حال حاضر در آسمان برقرار است و نیز اینکه این ملکوت در عصر زرینی در زمان آتی ظهور خواهد کرد و یهودیان در آن هنگام نصرت و رفعت خواهند یافت.^۴

همچنین در بخش‌هایی از عهد قدیم پس از روایت نزاع آخرازمانی، به عصر زرینی اشاره می‌شود که قرین صلح و صفا است و در آن، یهوه بر همه چیز و همه کس مسلط و محیط خواهد بود.^۵ این دوران زمانه‌ای است که همه از زندگی در کنار هم غرق در سرور و آرامش خواهند بود، بی آنکه تعدی و تجاوزی در پی باشد و به تعبیری «گرگ با بره سکونت خواهد داشت» و همه اینها در پرتو سلطنت و شاهی یهوه به منصفه ظهور در خواهد آمد: «و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند. و گاو با خرس خواهد چرید و بیچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد. و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه‌ی افعی خواهد گذاشت. و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند».^۶

۱. خروج، ۳: ۱۴-۱۵؛ قس: خروج، ۳: ۱۶.

۲. مزامیر، ۴۷: ۸.

۳. زکریا، ۱۴: ۹؛ قس: اول سموئیل، ۸: ۷، اشعیا، ۶: ۵؛ مزامیر، ۲۴: ۷-۱۰.

۴. مزامیر، ۱۱: ۴، ۱۰: ۳؛ ارمیا، ۱۰: ۷، یوئیل، ۳: ۱۹-۲۱.

۵. اشعیا، ۱۹: ۱۸-۲۴؛ میکاه، ۴: ۱-۴؛ نیز نک: Hiers, R., H. p.568.

۶. اشعیا، ۱۱: ۶-۹؛ قس: ۶۵: ۱۷-۲۵؛ حزقیال، ۳۴: ۲۵-۲۸.

۲. ملکوت خدا در عهد جدید

۱.۲. سیر مفهومی ملکوت خدا در کتب عهد جدید

انجیل متی

همانند کاربرد این اصطلاح در سنت یهودیان و عهد عتیق، و احتمالاً در راستای هماهنگی با آن سنت، متی عبارت ملکوت آسمان را به جای ملکوت خدا به کار می‌برد. در واقع، انجیل متی با این گفته یحیای معمدان، سخن خود را در باب ملکوت آسمان آغاز می‌کند که: «توبه کنید زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است».^۱ آنگاه بار دیگر بشارت وقوع قریب ملکوت الهی از زبان عیسی مطرح می‌شود.^۲ نکته مهمی که در انجیل متی و دیگر بخش‌های عهد جدید به چشم می‌آید، رابطه ملکوت الهی با شفای امراض بیماران است: «و عیسی در تمام جلیل می‌گشت و در کنایس ایشان تعلیم داده، به بشارت ملکوت موعظه می‌نمود و هر مرض و هر درد قوم را شفا می‌داد».^۳

در ادامه طرح مفهوم ملکوت، در «موعظه بر سر کوه» از زبان عیسی بر اهمیت ملکوت که سهم عادلان و فروتنان است، بار دیگر تأکید می‌شود،^۴ چنانکه گویی ملکوت مکان یا موهبتی است که تنها به برخی از کسان وعده داده می‌شود.

یکی از دلایل ابهام این مفهوم، چند وجهی بودن آن و بهره‌گیری عیسی از زبان تمثیل و استعاره در تبیین آن است. البته این رویکرد خود متناقض‌نماست، زیرا از سویی به تصریح عهد جدید وی برای تقریب به ذهن افراد، به زبان مجاز متمسک می‌شود و از سوی دیگر، خود این زبان نه تنها یاریگر حل و فهم این مفهوم نیست، بلکه منجر به بدفهمی و تلقی نوعی مفهوم نظامی و مادی (این جهانی) از این عنوان می‌گردد.^۵ به هر روی، بر مبنای مبنای آیات عهد جدید می‌توان چنین استنباط کرد که علت اصلی انتخاب این طرز گفتار، درک نادرست و ناقص افراد عامی از معنای دقیق ملکوت بوده است.

۱. متی، ۳: ۲.

۲. همان، ۴: ۱۷، ۱۰: ۷.

۳. همان، ۴: ۲۳؛ قس: همان، ۹: ۳۵.

۴. همان، ۵: ۳ و ۱۰.

۵. نک: یوحنا، ۱۸: ۲۸-۳۶.

از جمله تمثیل‌های معروف و اصلی مورد استفاده مسیح در بیان مفهوم ملکوت، مثل تلخه‌ها است:

«و مثلی دیگر به جهت ایشان آورده، گفت: "ملکوت آسمان مردی را ماند که تخم نیکو در زمین خود کاشت: و چون مردم در خواب بودند، دشمنش آمده، در میان گندم، کرکاس ریخته، برفت. و وقتی که گندم روئید و خوشه برآورد، کرکاس نیز ظاهر شد. پس نوکران صاحب خانه آمده، به وی عرض کردند: ای آقا مگر تخم نیکو در زمین خویش نکاشته‌ای؟ پس از کجا کرکاس بهم رسانید؟ ایشان را فرمود: این کار دشمن است. عرض کردند: آیا می‌خواهی برویم آنها را جمع کنیم؟ فرمود: نی، مبادا وقت جمع کردن کرکاس، گندم را به آنها برکنید. بگذارید که هر دو تا وقت حصاد با هم نمو کنند و در موسم حصاد، دروگران را خواهیم گفت که اول کرکاس‌ها را جمع کرده، آنها را برای سوختن بافه‌ها بیندید، اما گندم را در انبار من ذخیره کنید».^۱

روشن است که در این تمثیل سهل و ممتنع، بنا به قول خود عیسی، آن که بذر می‌کارد پسر انسان (۱۳: ۳۷)، آن که بذر را با تخم علف می‌آمیزد، شیطان (۱۳: ۳۹)، و منظور از مزرعه، در اصل جهان است (۱۳: ۳۸). علف‌های هرز که عامل آلام و مصائب‌اند، قوای اهریمنی (۱۳: ۳۸)، و دروگران موسم حصاد همان فرشتگان الهی‌اند (۱۳: ۴۱).

از سیاق آیات ۱-۲ باب ۱۸ نیز می‌توان چنین استنباط کرد که وجهی از ملکوت خدا به مثابه مکان و ساحت الهی در نظر گرفته می‌شود: «در همان ساعت، شاگردان نزد عیسی آمده گفتند: چه کس در ملکوت آسمان بزرگ‌تر است؟»^۲

متی در باب نوزدهم، ویژگی دیگری از ملکوتیان آسمان را ذکر می‌کند: «عیسی به شاگردان خود گفت: هر آینه به شما می‌گویم که شخص دولت‌مند به ملکوت آسمان به دشواری داخل می‌شود. و باز شما را می‌گویم که گذشتن شتر از سوراخ سوزن، آسان‌تر است از دخول شخص دولت‌مند در ملکوت خدا».^۳ روشن است که سخن فوق، در اصل پندی اخلاقی است، یعنی آنکه اشراف احتمالاً به واسطه تعلقات مادی، عاجز از اخلاص و

۱. متی، ۱۳: ۲۴-۳۰.

۲. همان، ۱۸: ۱.

۳. همان، ۱۹: ۲۳-۲۴.

اینار، و در نتیجه پیروی از سخنان عیسی ناتواناند، زیرا به تصریح عیسی، وارثان حیات جاودانی کسانی هستند که از مادیات قطع تعلق کرده‌اند: «و هر که به خاطر اسم من، خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمین‌ها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت، و وارث حیات جاودانی خواهد گشت».^۱ در تأیید همین نکته، متی در ضمن سؤال و جوابی چنین نقل می‌کند: «آنگاه پطرس در جواب گفت: اینک ما همه چیزها را ترک کرده، تو را متابعت می‌کنیم. پس ما را چه خواهد بود؟» عیسی ایشان را گفت: «هر آینه به شما می‌گویم شما که مرا متابعت نموده‌اید، در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط اسرائیل داوری خواهید نمود».^۲

وی در ادامه نکته‌ای دیگر از مفهوم ملکوت آسمان را آشکار می‌سازد و آن اینکه اساساً بشارت ملکوت، نشانی از پایان جهان و به سر رسیدن سلطنت شیطان است: «و به این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امت‌ها شهادتی شود؛ آنگاه انتها خواهد رسید».^۳ به همین دلیل بر مبنای تمثیل تلخه‌ها،^۴ شیطان مانع اصلی در تحقق ملکوت آسمان، و به عبارتی، مانع از فروپاشی پادشاهی خویش است.

انجیل مرقس

در انجیل مرقس نیز موضوع ملکوت الهی چنان مطرح می‌شود که گویی آخرالزمان فرا رسیده و جهان در آستانه تحقق ملکوت الهی است: «عیسی» می‌گفت: "وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید".^۵ همچنین بر استعداد و قابلیت حواریون در ادراک حقایق ملکوت صحه گذاشته می‌شود: «به ایشان گفت: "به شما دانستن سرّ ملکوت خدا عطا شده، اما به آنانی که بیرونند، همه چیز به مثل‌ها می‌شود».^۶

۱. متی، ۱۹: ۲۹.

۲. همان، ۱۹: ۲۷-۲۸.

۳. همان، ۱۴: ۲۴.

۴. همان، ۱۳: ۲۳-۳۰.

۵. مرقس، ۱: ۱۵.

۶. همان، ۴: ۱۱.

مرقس در ادامه با بیانی ظریف به دیگر ویژگی ملکوت خدا از زبان عیسی اشاره می‌کند: «و بدیشان گفت: "هر آینه به شما می‌گویم بعضی از ایستادگان در اینجا می‌باشند که تا ملکوت خدا را که به قوت می‌آید نبینند، ذائقه موت را نخواهند چشید"». ^۱ لزوم تجلی ملکوت خدا با قدرت و توانمندی، حاکی از غلبه اراده الهی بر اراده اهریمنی است.

انجیل لوقا

در انجیل لوقا نکته مهم دیگری درباره ملکوت الهی روشن می‌گردد: «و به کفرناحوم شهری از جلیل فرود شده، در روزهای سبت، ایشان را تعلیم می‌داد. و از تعلیم او در حیرت افتادند، زیرا که کلام او با قدرت می‌بود. و در کنیسه مردی بود که روح دیو خبیث داشت و به آواز بلند فریاد کنان می‌گفت: "آه ای عیسی ناصری، ما را با تو چه کار است، آیا آمده ای تا ما را هلاک سازی؟ تو را می‌شناسم کیستی، ای قلدوس خدا". پس عیسی او را نهیب داده، فرمود: "خاموش باش و از وی بیرون آی". در ساعت دیو او را در میان انداخته، از او بیرون شد و هیچ آسیبی بدو نرسانید». ^۲ همین امر، یعنی برگزیده شدن عیسی برای غلبه بر دیوان و اخراج ارواح شریر که در اصل مبارزه و غلبه بر قوای شیطان و زمینه‌سازی تحقق ملکوت خدا است، از زبان خود عیسی چنین بیان می‌شود: «به ایشان گفت: "مرا لازم است که به شهرهای دیگر نیز به ملکوت خدا بشارت دهم، زیرا که برای همین کار فرستاده شده‌ام"». ^۳ بر مبنای این آیات می‌توان چنین استنباط کرد که اساساً اصلی‌ترین دلیل رسالت عیسی، بشارت به ملکوت الهی است.

چنانکه گفته شد، بر اساس انجیل متی، عیسی ضمن بشارت به ملکوت آسمان، به شفای امراض نیز می‌پرداخت. در انجیل لوقا، حواریون که به اسرار ملکوت الهی واقف‌اند، ضمن بشارت و موعظه به ملکوت الهی، قادر به شفای بیماران نیز هستند: «پس دوازده شاگرد خود را طلبیده، به ایشان قوت و قدرت بر جمیع دیوها و شفا دادن امراض عطا فرمود. و ایشان را فرستاد تا به ملکوت خدا موعظه کنند و مریضان را صحت بخشند». ^۴ «و

۱. مرقس، ۹: ۱.

۲. لوقا، ۴: ۳۱-۳۵.

۳. همان، ۴: ۴۳.

۴. همان، ۹: ۱-۲.

در هر شهری که رفتید و شما را پذیرفتند، از آنچه پیش شما گذارند بخورید. و مریضان آنجا را شفا دهید و بدیشان گوید که ملکوت خدا به شما نزدیک شده است»^۱.
شاید بتوان معنای «کلیدهای ملکوت» را که متی از زبان عیسی به پطرس نقل می‌کند،^۲ با قابلیت یاد شده تفسیر و توجیه کرد.

به نظر می‌رسد که آیه اصلی انجیل سوم در زمینه ملکوت، آیه دوم از باب یازدهم باشد که مشهورترین و رایج‌ترین دعای مسیحیان است: «بدیشان گفت: "هرگاه دعا کنید گوید ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید. اراده تو چنان که در آسمان است در زمین نیز کرده شود"»^۳. در این بند، از خداوند خواسته می‌شود که سلطنتش را که پیش از این به تصریح عهد عتیق محیط بر آسمان‌ها است، بر زمین حکمفرما سازد. ملکوت در این تعبیر، ناظر بر تحقق و استقرار اراده الهی بر زمین است که تحت اداره شیطان قرار دارد. شاید بتوان در هر برهه‌ای پیش از آخرالزمان و تحقق قطعی سلطنت الهی بر زمین، در گوشه و کنار هستی، ابعادی از این حکومت اهریمنی را مغلوب و منکوب کرد، چنان که اخراج ارواح شریر از افراد بیمار یکی از نمودهای بارز آن است و در این گونه موارد می‌توان گفت که ملکوت خدا جلوه‌گر شده است. البته تفاوت این موارد با ملکوت آخرالزمان در مدت زمان و دوام آن، و نیز در اسارت شیطان است.

عیسی در این زمینه می‌گوید: «عیسی خیالات ایشان را درک کرده، بدیشان گفت: "هر مملکتی که بر خود منقسم گردد، ویران شود و هر شهری یا خانه‌ای که بر خود منقسم گردد، برقرار نماند. لهذا اگر شیطان، شیطان را بیرون کند، هر آینه بخلاف خود منقسم گردد. پس چگونه سلطنتش پایدار ماند؟ و اگر من به وساطت بَعْلزَبول دیوها را بیرون می‌کنم، پسران شما آنها را به یاری که بیرون می‌کنند؟ از این جهت ایشان بر شما داوری خواهند کرد. لیکن هرگاه من به روح خدا دیوها را اخراج می‌کنم، هر آینه ملکوت خدا بر شما رسیده است"»^۴.

۱. لوقا، ۱۰: ۸-۹.

۲. متی، ۱۶: ۲۰.

۳. لوقا، ۱۱: ۲.

۴. متی، ۱۲: ۲۵-۲۸.

نکته بسیار مهم دیگری که لوقا به آن می‌پردازد، حضور کنونی و این جهانی ملکوت خدا است: «و چون فریسیان از او پرسیدند که ملکوت خدا کی می‌آید، او در جواب ایشان گفت: "ملکوت خدا با مراقبت نمی‌آید، و نخواهند گفت که در فلان یا فلان جاست. زیرا اینک ملکوت خدا در میان شما است"»^۱.

انجیل یوحنا

در باب سوم، آیات ۳ تا ۶ انجیل یوحنا، شرط مشاهده ملکوت خدا، که طبیعتاً امری عرفانی است،^۲ از زبان عیسی مسیح بیان می‌شود: «عیسی در جواب او گفت: "آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید". نیقودیموس بدو گفت: "چگونه ممکن است که انسانی که پیر شده باشد، مولود گردد؟ آیا می‌شود که بار دیگر داخل شکم مادر گشته، مولود شود؟" عیسی در جواب گفت: "آمین، آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود. آنچه از جسم مولود شد، جسم است و آنچه از روح مولود گشت، روح است"»^۳.

در این آیات تلویحاً به معاد روحانی نیز اشاره شده است، که در جای خود قابل بررسی است. افراد با تعمد در آب و روح القدس، از نو متولد می‌شوند و از همین رو، قابلیت حضور در ملکوت الهی را می‌یابند.

اعمال رسولان

در کتاب اعمال رسولان نیز بارها بر توانایی رسولان در شفای بیماران، که آیاتی از ملکوت الهی است، صحنه گذاشته می‌شود: «و در ساعت نهم، وقت نماز، پطرس و یوحنا با هم به هیکل می‌رفتند. ناگاه مردی را که لنگ مادرزاد بود می‌بردند که او را هر روزه بر آن در هیکل که جمیل نام دارد، می‌گذاشتند تا از روندگان به هیکل صدقه بخواهد. آن شخص چون پطرس و یوحنا را دید که می‌خواهند به هیکل داخل شوند، صدقه خواست. اما پطرس با یوحنا بر وی نیک نگریسته، گفت: "به ما بنگر". پس بر ایشان نظر افکنده، منتظر

۱. لوقا، ۱۷: ۲۰-۲۱.

۲. همان.

۳. یوحنا، ۳: ۳-۶؛ قس: اول قرنیتان، ۱۵: ۵۰.

بود که از ایشان چیزی بگیرد. آنگاه پطرس گفت: "مرا طلا و نقره نیست، اما آنچه دارم به تو می‌دهم. به نام عیسی مسیح ناصری برخیز و بخرام!" و دست راستش را گرفته، برخیزانید که در ساعت پای‌ها و ساق‌های او قوت گرفت و برجسته بایستاد و خرامید و با ایشان خرامان و جست و خیزکنان و خدا را حمدگویان داخل هیکل شد.^۱

رساله اول پولس به قرنتیان

در این رساله به برخی از اوصاف و ویژگی‌های افرادی که از ملکوت الهی محروم‌اند، اشاره می‌شود: «آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نمی‌شوند؟ فریب مخورید، زیرا فاسقان و بت پرستان و زانیان و متنعمان و لواط و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد.»^۲ شبیه همین مفهوم در رساله به غلاطیان نیز یافت می‌شود: «و حسد و قتل و مستی و لهو و لعب و امثال این‌ها که شما را خبر می‌دهم، چنان که قبل از این دادم، که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی‌شوند.»^۳

در ادامه این رساله، نکات مهم دیگری درباره چگونگی تحقق ملکوت الهی تبیین می‌گردد: «و بعد از آن انتها است، وقتی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد. و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گردانید. زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پای‌های خود نهد، می‌باید او سلطنت بنماید. دشمن آخر که نابود می‌شود، موت است. زیرا همه چیز را زیر پای‌های وی انداخته است. اما چون می‌گوید که همه چیز را زیر انداخته است، واضح است که او که همه را زیر او انداخت، مستثنی است. اما زمانی که همه مطیع وی شده باشند، آن گاه خود پسر هم مطیع خواهد شد. او را که همه چیز را مطیع وی گردانید، تا آن که خدا کلّ در کلّ باشد.»^۴ بدیهی است که منظور از اضمحلال ریاست، موت، قدرت و قوت، همان نابودی سلطنت شیطان و قوای او به دست مسیح در آخرالزمان است. در انتهای این کار نیز، مسیح سلطنت و پادشاهی عالم را که بدو تفویض شده بود، به

۱. اعمال رسولان، ۳: ۱-۸؛ قس: همان، ۸: ۵-۸، ۹: ۳۲-۳۴، ۱۴: ۸-۱۰، ۲۸: ۸-۹.

۲. اول قرنتیان، ۶: ۹-۱۰.

۳. غلاطیان، ۵: ۲۱؛ قس: افسسیان، ۵: ۵.

۴. اول قرنتیان، ۱۵: ۲۴-۲۸.

خداوند واگذار می‌کند. وانگهی از آنجا که صاحب قدرت موت شیطان است،^۱ با نابودی سلطنت او، موت نیز از هستی رخت خواهد بست و سرانجام ملکوت خدا بر تمام جهان حکمفرما خواهد گشت.

در این حالت حتی خود مسیح نیز به تصریح آیات، تابع و مطیع فرمان خداوند خواهد شد، تا نقصی در حکم و فرمانروایی مطلق خداوند به وجود نیاید (تا آن که خدا کلّ در کلّ باشد). از این آیات همچنین می‌توان چنین استنباط کرد که عیسی مسیح در عهد جدید نقش یاریگری را در عهد جدید دارد، یعنی آنکه او یاریگر خداوند و مأمور ویژه پروردگار در بشارت به ملکوت، مبارزه با اهریمن و قوای او، و زمینه ساز استقرار سلطنت الهی بر جهان هستی است.

در رساله به عبرانیان نکته‌ای درباره ملکوت مطرح می‌شود که یادآور برخی از عبارات عهد قدیم است: «ای خدا تخت تو تا ابدالابد است و عصای ملکوت تو عصای راستی است».^۲

با توجه به آیات دیگری چون «ایشان را به عصای آهنین خواهی شکست؛ مثل کوزه کوزه‌گر آنها را خرد خواهی نمود».^۳ و «کاش که عصای خود را از من بردارد و هیبت او مرا نترساند»^۴ می‌توان چنین استنباط کرد که منظور از عصای ملکوت، اراده و عقاب الهی است.

مکاشفه یوحنا

بر اساس مطالب این کتاب، سرانجام با غلبه اراده الهی بر اراده شیطان، پادشاهی و ملکوت جهان از آن خداوند می‌شود: «و در آسمان جنگ شد: میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگ کردند و اژدها و فرشتگانش جنگ کردند، ولی غلبه نیافتند، بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد. و اژدهای بزرگ انداخته شد، یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است که تمام ربع مسکون را می‌فریبد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی

۱. عبرانیان، ۲: ۱۴.

۲. عبرانیان، ۱: ۸؛ قس: مزامیر، ۴۵: ۶.

۳. مزامیر، ۲: ۹.

۴. ایوب، ۹: ۳۴.

انداخته شدند. و آوازی بلند در آسمان شنیدم که می‌گوید: "اکنون نجات و قوت و سلطنتِ خدای ما و قدرت مسیح او ظاهر شد، زیرا که آن مدعی برادران ما که شبانه روز در حضور خدای ما بر ایشان دعوی می‌کند، به زیر افکنده شد"^۱. «و فرشته‌ای بناوخت که ناگاه صداهای بلند در آسمان واقع شد که می‌گفتند: "سلطنت جهان از آن خداوندِ ما و مسیح او شد و تا ابدالابد حکمرانی خواهد کرد"^۲. و این استقرار مبارک چنین ستوده می‌شود: «و شنیدم چون آواز جمعی کثیر و چون آواز آب‌های فراوان و چون آواز رعدهای شدید که می‌گفتند: "هلولویه، زیرا خداوند خدای ما قادر مطلق، سلطنت گرفته است."^۳.

۲.۲. جهان‌شناسی عهد جدید و نسبت آن با ملکوت خدا

به استناد عهد جدید، تا پیش از ظهور ملکوت خداوند و آغاز هزاره دوم ابلیس حاکم و سلطان جهان مادی است. او صاحب قدرت موت^۴ و عامل گناه و وسوسه جهانیان است.^۵ برخلاف متون اسلامی که در آنها شیطان اساساً قدرت محدودی دارد، شیطان مطرح در عهد جدید با هر عنوانی اعم از ابلیس، شیطان یا دیو و ...، از قدرت لازم برای اعمال اراده‌اش برخوردار است. او به واسطه این توان، مانع از تحقق اراده الهی و انجام کارهای خیر و نیکو در جهان می‌شود. عهد جدید جهان حاضر را برای دینداران به مثابه صحنه کارزاری توصیف می‌کند که در آن نبرد بی‌امان میان مؤمنان با اهریمن و دیوان در جریان است: «زیرا جنگ ما با انسان نیست، بلکه ما علیه فرمانروایان و اولیای امور و نیروهای حاکم بر این جهان تاریک و نیروهای شیطانی در آسمان در جنگ هستیم»^۶. حتی رئیس کنونی جهان و کسی که بر آن تسلط و احاطه دارد، شیطان است.^۷ او نیز همچون خداوند، یاریگرانی دارد که دیوان و عفریتان و مانند آن‌اند. به دیگر سخن، او فرمانده اهریمنان هستی

۱. مکاشفه، ۱۲: ۷-۱۰.

۲. همان، ۱۱: ۱۵.

۳. همان، ۱۹: ۶.

۴. عبرانیان، ۲: ۱۴.

۵. اول قرنتیان، ۷: ۵؛ مکاشفه، ۲۰: ۳.

۶. افسسیان، ۶: ۱۲.

۷. یوحنا، ۱۲: ۳۱؛ اول یوحنا، ۵: ۱۹.

است و از آنها در اجرای مقاصد خویش بهره می‌گیرد. با این همه، چنین به نظر می‌رسد که در برابر عیسی هیچ قدرتی ندارد.^۱

افزون بر این، وی به واسطه تسلط بر جهان، ضمن وسوسه افراد و دام‌گستری در راه آنان، عامل اساسی بروز بیماری و آلام جسمانی است. بیماری‌ها در اصل نشانی از اسارت افراد در دام شیطان‌اند.^۲ انبیاء بنی‌اسرائیل پیوسته در کلام خویش از ایامی در آخرالزمان سخن می‌گویند و پیشگویی می‌کنند که در آن هنگام، دیگر از درد و بیماری خبری نخواهد بود.^۳ در انجیل مرقس نیز از عیسی به عنوان طبیب گنهکاران یاد می‌شود: «عیسی چون این را شنید، بدیشان گفت: "تندرستان احتیاج به طبیب ندارند، بلکه مریضان. و من نیامدم تا عادلان را، بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم".»^۴

چنانکه گفته شد، در عهد جدید به صراحت از شیطان به عنوان صاحب قدرت موت یاد می‌شود. بنابراین، به تعبیری مرگ نتیجه سلطنت اهریمن بر جهان است که در هزاره سوم و همگام با اسارت ابدی شیطان در چنگال عذاب الهی، و تحقیق نبوت‌های انبیاء، در عرصه هستی دیگر از مرگ نیز چون بیماری و الم خبری نخواهد بود.^۵ بنابراین می‌توان بر طبق مضامین عهد جدید چنین استنباط کرد که شیطان به واسطه سلطنتش بر جهان، عامل اصلی بیماری در افراد است و عیسی و شاگردان او قادر به شفای بیماران و انواع بیماری‌ها بوده‌اند. عیسی در ایام رسالتش با بیماران فراوانی مواجه شد و آنها را شفا داد. وجه اشتراک غالب این افراد به تصریح کتاب مقدس، مغلوب شدن آنها از سوی ارواح شریر بود و عیسی با اخراج این گونه ارواح، آنها را شفا می‌بخشید: «اما چون شام شد، بسیاری از دیوانگان را به نزد او آوردند و محض سخنی ارواح را بیرون کرد و همه مریضان را شفا بخشید».^۶ دامنه قدرت شیطان تا بدان جا است که حتی رئیس ملائکه از او پروا دارد: «در حالتی که حتی میکائیل، رئیس فرشتگان، وقتی بر سر نعش موسی با ابلیس مجادله می‌کرد،

۱. لوقا، ۱۱:۱۵؛ یوحنا، ۱۴: ۳۰.

۲. اعمال رسولان، ۱۰: ۳۸.

۳. اشعیا، ۶: ۳۵؛ قس: همان، ۳۵: ۵، ۲۵: ۸، ۶۵: ۱۹.

۴. مرقس، ۲: ۱۷.

۵. عبرانیان، ۲: ۱۴؛ مکاشفه، باب‌های ۲۰ و ۲۱.

۶. متی، ۸: ۱۶؛ قس: لوقا ۱۳: ۱۶؛ مرقس، ۱: ۴۰؛ متی، ۸: ۲-۶ و ۱۴-۱۵، ۱۰: ۱.

جرات نداشت او را با اهانت محکوم سازد، بلکه فقط گفت: "خداوند تو را سرزنش کند."^۱

بر بنیاد این جهان‌نگری، اهمیت تحقق ملکوت خداوند دانسته می‌شود، زیرا جهان آکنده از شرارت‌ها و مراثت‌هایی است که از شیطان و اهریمنان صادر شده است. راه مبارزه با این نامالایمات، تعجیل در ظهور ملکوت خدا و استقرار پادشاهی او بر جهان است. از همین رو، فلسفه اصلی مأموریت عیسی مسیح نیز بشارت و مژده به وقوع زود هنگام ملکوت خداوند معرفی می‌شود.^۲ لوقا ایام رسالت عیسی را در اصل مقطعی از نجات تلقی می‌کند که در آن شیطان به بند کشیده می‌شود: «آن هفتاد شاگرد خوش و خرم بازگشتند و عرض کردند: "خداوندا، با ذکر نام تو حتی دیوها تسلیم ما می‌شوند!" عیسی پاسخ داد: "من دیدم که چطور شیطان مانند برق از آسمان سقوط کرد. من به شما قدرت داده‌ام که مارها و عقرب‌ها و تمام قوای دشمن را زیر پا لگدمال نمایید و هرگز هیچ چیز به شما صدمه‌ای نخواهد رسانید."^۳

پولس در رساله خود به کولسیان اظهار می‌دارد که ملکوت خدا با تصلیب عیسی تحقق یافته است، زیرا مرگ او بر بالای صلیب، نشان از غلبه و پیروزی وی بر دیوان و سلطنت اهریمن بوده است: «مسیح بر روی صلیب تمام قدرت‌های آسمانی و فرمانروایان را خلع سلاح کرد و بر آنها پیروز شد و آنها را پیش همه رسوا ساخت».^۴ در رساله اول یوحنا یوحنا نیز به صراحت از غلبه مؤمنان بر شریر (شیطان) سخن به میان می‌آید: «...ای جوانان، به شما می‌نویسم از آنجا که بر شریر غالب شده‌اید. ای بچه‌ها به شما نوشتم زیرا که پدر را می‌شناسید. ای پدران، به شما نوشتم زیرا او را که از ابتداست می‌شناسید. ای جوانان، به شما نوشتم از آن جهت که توانا هستید و کلام خدا در شما ساکن است و بر شریر غلبه یافته‌اید».^۵

۱. یهوذا ۱: ۹.

۲. متی ۴: ۲۳.

۳. لوقا، ۱۰: ۱۷-۱۹.

۴. کولسیان، ۲: ۱۵.

۵. اول یوحنا، ۲: ۱۳-۱۴.

۳.۲. جهان‌شناسی گنوسی در نگاهی اجمالی

از جمله کوشش‌هایی که در توضیح علت وجود شرور در عالم و نسبت آن با تعالی و رحمت مطلق خداوند، و نیز توجیه و تفسیر نسبت روح با جسم مادی و به‌طور کلی پیوند آن با عالم محسوسات صورت گرفته، ظهور جهان‌بینی‌های گنوسی است.^۱ واژه *gnosis* کلمه‌ای یونانی به معنای دانش و معرفت است که با واژه *knowledge* در انگلیسی و *Jnāna* (معرفت) در زبان سنسکریت هم ریشه است.^۲ فرقه‌های گنوسی بر مبنای تفکرات و باورهای ثنوی، مدعی بودند که به ادراک راز مستور کائنات و ساختار هستی، سرشت بشری و الوهیت دست یافته‌اند.^۳

تا پیش از سدهٔ اخیر گفته می‌شد که مسیحیت خاستگاه باورها و مبانی گنوسی است، اما پس از کشف متون و اسناد گنوسی جدید، از جمله اسناد موسوم به نجع حمادی^۴، پژوهشگران دریافتند که مسیحیت بستر تکوین و تطور گنوسی‌گرایی نیست، بلکه خود نوعی جهان‌بینی گنوسی در تاریخ است.^۵

نیل به معرفت رازآلود از طریق تصفیۀ باطن، و وجود پیوندی عمیق میان معرفت و نجات، از جمله بارزترین ویژگی‌های تفکرات گنوسی به شمار می‌آید. به باور گنوسی‌ها، در اصل معرفت عامل فلاح و نجات است، نه عمل یا احساس. معرفت به ماهیت خدا، مینویان سماوی، منشاء روح و سرنوشت آن در جهان، و در نتیجه نیل به ضرورت نجات روح از اسارت ماده، جملگی از ضروریات نجات دانسته می‌شدند.^۶

1. Griffith Thomas, W.H., "Gnosticism", *Dictionary of the Bible*, James Hastings(ed.), New York, 1909, p.297.

۲. هادینا، محبوبه، «مکاتب گنوسی: خاستگاه و اعتقادات»، پژوهشنامه ادیان، س ۲، ش ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۸ش، ص ۱۱۸.

3. "Gnosticism", *A Dictionary of Comparative Religion*, S.G.F. Brandon(ed.), New York, 1970, p.302.

۴. Nag Hammadi، عنوان مجموعه اسناد گنوسی است که در حدود ۱۹۴۵م در منطقه مصر علیا کشف شدند. این متون هم از نظر شناخت باورهای گنوسی و هم از نظر بررسی تاریخ اولیه مسیحیت دارای اهمیت‌اند.

5. Attridge, H. W., "Nag Hammadi", *Harpper Collins Bible Dictionary*, P. J. Achtemeier (ed.), New York, 1996, pp.729-730.

"Gnosticism", p.302.

۶. هادینا، محبوبه، ص ۱۳۰؛ نیز:

هستی‌شناسی گنوسی مسأله وجود شرور در عالم را ابتدا با تبیین مفهوم ثنویت (خیر و شر) در عرصه هستی تفسیر و توجیه می‌کند. بر این اساس، هستی ساخته و پرداخته خداوند خیر و منان نیست، بلکه موجودی مادون و تا حدودی شرور موسوم به دمیورگ (یا دمیورگوس)^۱ آن را آفریده و اداره می‌کند. این برداشت برخاسته از این مشکل کلامی بود که چگونه ممکن است گیتی که آکنده از ضعف‌ها، آلام، مصایب و کاستی‌هاست، مخلوق خدای خیرمطلق باشد که از او جز خیر صادر نمی‌شود؟ گنوسی‌ها در پاسخ به این پرسش کلامی در جهان‌بینی خود وجود خدای دیگری را فرض کردند که مسئولیت همه نواقص و شرور عالم بر عهده او قرار می‌گیرد. بر این اساس، خدای خیر که پدر همه چیز است، در اصل خدایی ناشناختنی و ازلی است. از این پدر نادیدنی، گروهی موجود الهی^۲ صادر می‌شوند که ملکوت یا ملاء اعلی را تشکیل می‌دهند. افزون بر خدای خیر یا پدر ناشناختنی، بارگاهی از خدایان دیگر نیز وجود دارد که در مرتبه‌ای پایین‌تر از او قرار دارند و میان این موجودات الهی سلسله مراتب خاصی برقرار است. به باور غالب گنوسی‌ها، بر اثر اشتباه یکی از این موجودات الهی، خلقت صورت گرفت و جهان به صورت یک فاجعه بروز کرد. برخی از گنوسی‌ان این موجود الهی را حکمت می‌نامند که خواستار شناخت پدر ناشناختنی و رسیدن به مقام او شد. بدین ترتیب کبر ورزید و شر را ایجاد کرد. چون حکمت موجودی الهی بود، این شر با مقداری خیر مخلوط گردید. داستان خلقت، داستان دوباره سازی و تطهیر ملاء اعلی، جداسازی خیر از شر ایجاد شده و از بین بردن شر است. خدایی که جهان را خلق کرده است، خدای خیر نیست، بلکه خدای شر است.^۳

۱. واژه دمیورگ، مشتق از کلمه یونانی *demiurgos* است که در کل به معنی کارگران عمومی (Public Workers) بود. منشاء کاربرد این اصطلاح را به افلاطون نسبت داده‌اند، که از این واژه برای اشاره به خالق جهان بهره گرفت. بعدها این عنوان در آثار یهودیان هلنیستی همچون فیلون نیز به‌کار رفت و پس از آنها آباء یونانی مسیحی آن را در آثار خود به‌کار بردند. نک:

“Demiurge”, A *Dictionary of Comparative Religion*, S.G.F. Brandon(ed.), New York, 1970, p.229.

۲. *aion* یا *aeon(s)* رائون یا ائونها، نک: “Aeon”, *Ibid*, p.34.

۳. ایلخانی، محمد، «مذهب گنوسی»، معارف، دوره دوازدهم، ش ۲، فروردین-آبان ۱۳۷۴ش، صص ۲۷-۲۶.

این دیدگاه برای گنوسی‌ها، رهگشای تناقض میان نسبت شرور با خدای خیر بود و بر این اساس، نه خدای خیر، بلکه خدای صانع و مادون منشاء شرور و آلام هستی پنداشته می‌شد. در تبیین نحوه‌ی رهایی روح از اسارت ماده نیز گنوسی‌ها بر این باور بودند که راه رهایی از بند ماده و ظلمت، رسیدن به «معرفت» اسرار تکوین هستی، و سپس رعایت برخی از قوانین زاهدانه است. از همین رو پرهیز و اجتناب از هر آن چه که رنگ و بوی ماده و مادیات داشت، از ملزومات فرایند نجات دانسته می‌شد.^۱

با بررسی این آموزه‌ها، چنین به نظر می‌رسد که میان جهان‌شناسی گنوسی و دیدگاه‌های عهد جدید پیوندی خاص برقرار است. هم در تفکر گنوسی و هم در باور مسیحی، حکمران عالم موجودی شرور و غیر خدا توصیف می‌شود. در مسیحیت مبتنی بر عهد جدید نیز هر چند خداوند منان خالق کائنات به شمار می‌آید، اما سلطان و حکمران کنونی جهان هستی شیطان است که عامل اصلی شرارت، مصیبت و آلام جهان پنداشته می‌شود. این که در اندیشه‌ی مسیحیت انسان‌ها ذاتاً گناهکار به دنیا می‌آیند و خدای مسیحیان برای نجات بشر، تنها پسر خود را می‌فرستد تا در راه گناهان بشر همانند بره‌ای قربانی شود، اینکه براساس این باور، تنها کسانی که فدیة خداوند ایمان دارند، نجات خواهند یافت، و مفهوم پادشاهی تام‌الاختیار خداوند در حال حاضر برای گروهی خاص، و در آینده برای همگان آشکار خواهد شد، نه با یهودیت، بلکه با آموزه‌های گنوسی سازگاری دارد.

۴.۲. تفاسیر مختلف درباره‌ی مفهوم ملکوت در الاهیات مسیحی

چنانکه پیش از این گفته شد، ملکوت خدا اصطلاحی تقریباً مبهم و جنجال‌آفرین بود که محور تبلیغ عیسی مسیح به شمار می‌آمد و وی از آغاز مأموریتش، ظهور زود هنگام آن را بشارت می‌داد.^۲

براساس انجیل یوحنا، ابهام در ماهیت و چیستی دقیق این تعبیر، یکی از دلایل و دستاویزهایی بود که عیسی را مقصر جلوه داد. برداشت ظاهرانگاره از ملکوت خدا به

۱. همو، ص ۳۱؛ نیز:

Griffith Thomas, W.H., p.297.

2. Matthews, W., *World Religions*, USA, 2010, p.281.

مثابه پادشاهی مادی عیسی بر جهان، منجر به این شد که یهودیان معاند عیسی در توجیه محاکمه او توسط پیلطس به او گوشزد کنند که وی داعیه برقراری پادشاهی را دارد. از شیوه گفت‌وگوی پیلطس با عیسی نیز می‌توان برداشت سیاسی - نظامی افراد از مفهوم ملکوت را دریافت:

«بعد عیسی را نزد قیافا به دیوانخانه آوردند و صبح بود و ایشان داخل دیوانخانه نشدند، مبادا نجس بشوند، بلکه تا فصیح را بخورند. پس پیلطس به نزد ایشان بیرون آمد، گفت: "چه دعوی بر این شخص دارید؟" در جواب او گفتند: "اگر او بدکار نمی‌بود، به تو تسلیم نمی‌کردیم". پیلطس بدیشان گفت: "شما او را بگیرید و موافق شریعت خود بر او حکم نمایید". یهودیان به وی گفتند: "بر ما جایز نیست که کسی را بکشیم...". پس پیلطس باز داخل دیوانخانه شد و عیسی را طلبیده، به او گفت: "آیا تو پادشاه یهود هستی؟" عیسی به او جواب داد: "آیا تو این را از خود می‌گویی یا دیگران درباره من با تو گفتند؟" پیلطس جواب داد: "مگر من یهود هستم؟ اُمت تو و رؤسای کهنه تو را به من تسلیم کردند. چه کرده‌ای؟" عیسی جواب داد که: "پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان می‌بود، خُدام من جنگ می‌کردند تا به یهود تسلیم نشوم. لیکن اکنون پادشاهی من از این جهان نیست."^۱

از این آیات روشن می‌شود که یهودیان برای مجاب کردن پیلطس به محاکمه عیسی، داعیه سلطنت او را که همان بشارتش به ملکوت بود، دستاویز قرار دادند. ابهام بسیار در منظور عیسی از کاربرد این واژه و بشارت به وقوع قریب آن تا آنجا بود که خود وی در مواجهه با عموم مردم به زبان تمثیل متوسل می‌شد تا بتواند منظور خود را تفهیم کند: «شاگردانش نیامده، به وی گفتند: "از چه جهت با اینها به مثلها سخن می‌رانی؟" در جواب ایشان گفت: "دانستن اسرار ملکوت آسمان به شما عطا شده است، لیکن بدیشان عطا نشده."^۲

بر اساس این ابهام، تاریخ الاهیات مسیحیت شاهد ظهور و بروز نظرگاه‌های مختلف در باب مصداق ملکوت الهی و معنای آن بوده است:

۱. یوحنا، ۱۸: ۲۸-۳۶.

۲. متی، ۱۰: ۱۱-۱۰.

عده‌ای بر این باورند که عیسی برای تقریب به ذهن مردم عامی، درباره تجربه رؤیت خدا (شهود) به این عنوان متوسل شد و آن را بسان ساحت و قلمروی معرفی کرد که ورای دنیا و مافیها قرار دارد و تنها افراد متقی و فروتن بدان وارد خواهند شد.^۱ برخی از متألهان برجسته مسیحی چون آدلف فون هارناک و ویلهلم هرمن، بر مبنای انجیل لوقا (۱۷: ۲۱) ملکوت را نوعی حکومت بر قلوب دانسته‌اند.^۲ در مقابل، گروهی نیز از این گفته لوقا چنین تعبیر کرده‌اند که منظور از وجود «ملکوت در میان خود شما» این است که ملکوت در دستان شما است و نه این که در قلوب شما جای دارد.^۳

از نظر غالب الهی‌دانان پروتستان، ملکوت خدا نشانه‌ای از فعالیت و فعل خدا در جهان، و تأثیر او بر نظم اجتماعی و سیاسی است. بر این بنیاد، بیشتر متألهان پروتستان از ملکوت الهی مفهومی این جهانی و کنونی برداشت کرده‌اند.^۴ همچنین آن دسته از متألهان پروتستان که خواهان ارتقاء و بهبود شرایط مدنی نوع بشراند، ملکوت خدا را الگویی برای بازسازی نظام جامعه دانسته‌اند. از جمله این افراد می‌توان به والتر راشنباخ، شیلر متیوز و یولیوس کفتن اشاره کرد.

با این همه، در اواخر سده نوزدهم گروهی از محققان کتاب مقدس مفاهیم و مصادیق ملکوت خدا را به مثابه تغییر و دگرگونی شرایط زندگی ملهم از معادشناسی مکاشفه‌گونه یهودیت می‌دانستند. از جمله این افراد می‌توان به ارنست ایسل، اوتو اشمولر و به‌ویژه یوهانز وایس، آلبرت شوایترز و آلفرد لویزی اشاره کرد که از نخستین کسانی بودند که این دیدگاه را مطرح کردند. از دیدگاه وایس، دعای خداوند مبنی بر آمدن ملکوت^۵ آشکارا به آینده و ایامی که نیامده است، اشاره دارد. اگر عیسی در برخی موارد از ملکوت به عنوان امری حاضر و کنونی سخن می‌گوید، احتمالاً چیزی بیش از شور آفرینی و اشاعه بدر امید در میان مردم و پیروانش نبوده است.^۶ همچنین بنا به باور شوایترز، عیسی منتظر ظهور زود هنگام ملکوت خدا در خلال ایام حیات خود بود. لویس در جایگاه محقق کاتولیک رومی

1. Abhayanand S., p.13.

2. Hiers, R. H., p.56.

3. *Dictionary of Biblical Imagery*, L. Ryken et al(eds.), USA, 1998, p.479.

4. Miller, G. T., "Kingdom of God", *Encyclopedia of Protestantism*, H.J. Hillerbrand(ed.), New York, 2004, vol.2, p.995.

۵. متی، ۱۰: ۱؛ لوقا، ۷: ۲.

6. Hiers, R.H., p.569.

چنین استدلال می‌کند که منظور عیسی از ملکوت خدا، نه مفهومی از سنخ تجربه دینی، بلکه اشاره‌ای به کلیسا بوده است.^۱

نتیجه

با بررسی انجام شده می‌توان گفت که تبیین مسأله ملکوت الهی منوط به تبیین جهان‌شناسی عهد جدید است. بنابر پیش‌عهد جدید، جهان تحت نظارت و سلطنت شیطان و قوای اوست و خداوند در حال حاضر قادر مطلق نیست. خداوند با به رسالت برگزیدن عیسی، مقدمات تبیین و بشارت ملکوتش را فراهم می‌کند و سپس به واسطه توانایی که به مسیح می‌دهد و همچنین با بهره گرفتن از فعالیت فرشتگانش، در آخرالزمان بر قوای اهریمنی فائق خواهد آمد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از ملکوت الهی و آسمانی، در اصل همان سلطنت مطلقه و بی‌چون و چرای خداوند است که امروزه در آسمان است، ولی در آخرالزمان برای همگان آشکار خواهد شد.

واژه ملکوت افزون بر دو معنای عینی (objective) مذکور، معنای عرفانی درونی (subjective) گنوسی نیز دارد که بر اساس آن:

۱. ملکوت در تعبیر عرفانی، ناظر بر یقین و شهود افرادی است که در این مکان و زمان به سلطنت و اراده الهی که بر اراده و قدرت شیطان غالب است، یقین دارند و آن را همچون حواریون عیسی به عینه می‌بینند.

۲. صاحبان ملکوت و کسانی که بر مبنای موعظه سر کوه عیسی و امثال آن، به‌عنوان وارثان ملکوت خداوند معرفی شده‌اند، مجازاً افرادی هستند که در حریم امن و الهی قرار گرفته و یا خواهند گرفت و در نتیجه از وساوس و آلام اهریمنی مصون‌اند.

۳. ورود به ملکوت الهی نیز به معنای قرار یافتن در ساحت سلطنت الهی است که از اهریمن و مصائب او در آن خبری نیست. پس حضور در این مکان معنوی، حضوری معنوی و روحانی است.

۴. حضور ملکوت در درون افراد حاکی از باطنی بودن آن مفهوم است که از طریق آن، افراد به غلبه اراده و سلطنت الهی بر پادشاهی شیطان یقین حاصل می‌کنند.

1. Ibid.

۵. ظهور و تحقق ملکوت الهی که عیسی و حواریون او بشارت دهنده آن بودند، در اصل مزده به سرآمدن سلطنت پر رنج و مرگ آلود شیطان، و فرا رسیدن دوره‌ای آکنده از خوشی، امنیت و جاودانگی در پرتو اراده الهی است.

منابع

- ایلیخانی، محمد، «مذهب گنوسی»، معارف، دوره دوازدهم، ش ۱ و ۲، فروردین-آبان، ۱۳۷۴ش.
- عبدالسید، سموئیل کامل و ارتیمیس ثلاثینوس، قاموس عربی-یونانی، بیروت، ۱۹۹۰م.
- قرآن کریم.
- کتاب مقدس.
- هادینا، محبوبه، «مکاتب گنوسی: خاستگاه و اعتقادات»، پژوهشنامه / ادیان، س ۲، ش ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۸ش.
- Abhayananda, S., *History of Mysticism, the Unchanging Testament*, USA, 2007.
- Attridge, H. W., "Nag Hammadi", *Harpper Collins Bible Dictionary*, P.J. Achtemeier(ed.), NewYork, 1996.
- "Demiurge", *A Dictionary of Comparative Religion*, S.G.F. Brandon(ed.), NewYork, 1970.
- *Dictionary of Biblical Imagery*, L. Ryken, & et al.(ed.), USA, 1998.
- "Gnosticism", *A Dictionary of Comparative Religion*, S.G.F. Brandon(ed.), NewYork, 1970.
- Griffith Thomas, W.H. "Gnosticism", *Dictionary of the Bible*, James Hastings(ed.), NewYork, 1909.
- Hiers, R.H. "Kingdom Of God", *Harpper Collins Bible Dictionary*, P.J. Achtemeier (ed.), NewYork, 1996.
- "kingdom of God", *Britannica Encyclopedia of Religions*, E.J. Safra(ed.), Chicago, 2006.
- Matthews, W., *World Religions*, USA, 2010.
- Miller, Glenn T. "Kingdom of God", *The Encyclopaedia of Protestantism*, Hans J. Hillerbrand(ed.), NewYork, 2004.